



بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی - 22 / تیر / 1399

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خدا را شاکر هستیم که این توفیق را به ملت ایران داد که در موعد مقرر و معین بتوانند مجلس شورای اسلامی را تشکیل بدهند و نمایندگان منتخب خودشان را به این مجمع مهم و تأثیرگذار ملی بفرستند، و خدا را شاکر هستیم از اینکه امروز به بنده توفیق داد که بتوانیم با توجه به شرایط جاری کشور، شرایط بیماری و محدودیتهای موجود، این دیدار را با شما داشته باشیم و عرایضی را عرض بکنیم. از جناب آقای دکتر قالیباف، رئیس محترم مجلس هم تشکر میکنیم؛ مطالب بسیار خوب و البته مهمی بیان کردند. از خدا میخواهیم که به شما همه - به رئیس و هیئت رئیسه و آحاد نمایندگان محترم - این توفیق را بدهد که بتوانید این مطالب مهم و اساسی را ان شاء الله از مجاری درست قانونی خودش دنبال کنید و به نتیجه برسانید.

بنده اولاً یک جمله‌ای راجع به خود این مجلس شما عرض میکنم، بعد یک چند کلمه‌ای درباره‌ی شرایط کلی کشور عرایضی را به شما تقدیم میکنم، بعد از آن هم توصیه‌هایی دارم، عرایضی دارم به شما نمایندگان، آنها را خواهم شمرد و عرض میکنم، در آخر هم اگر وقتی باقی بود، راجع به این مسئله‌ی بیماری جاری کشور - این کرونا - چند جمله‌ای مجدداً عرض خواهم کرد.

اما در مورد اول که مربوط به مجلس شما است، یک نکته‌ی مهم این است که این مجلس - مجلس یازدهم - مجلس امید و انتظار مردم است، نقطه‌ی امید مردم و مظهر امید مردم است؛ چرا؟ چون مردم در شرایط سخت اقتصادی پای صندوقها آمدند و به شما نمایندگان محترم رأی دادند؛ در شرایط سخت اقتصادی. علاوه‌ی بر این، امواج تبلیغات گوناگون از اطراف از سوی دشمنان خارجی، بعضاً هم عده‌ی خیلی در داخل [بود]، حرفهایی زده میشد، تبلیغاتی میشد که مأیوس‌کننده بود، ناامیدکننده بود و به طور طبیعی بایستی مردم را از آمدن به عرصه‌ی انتخابات مانع میشد. با همه‌ی این شرایط، مردم با یک درصد قابل قبولی - که باز در دنیا جزو درصدهای خوب است - پای صندوقها آمدند و نمایندگان خودشان را انتخاب کردند و به شماها رأی دادند؛ چرا؟ چون امیدوار بودند. علی‌رغم همه‌ی این عواملی که دست به دست هم داده بود تا مردم را از صندوق و از مجلس و از انتخابات مأیوس کند و ناامید کند، مردم آمدند و امیدوارانه به تشکیل مجلس شورای اسلامی رأی دادند و شماها را انتخاب کردند. پس این مجلس مظهر امید مردم است، مظهر انتظار مردم است؛ این بسیار نکته‌ی مهمی است.

خوشبختانه مجلس تشکیل شده یکی از قوی‌ترین و انقلابی‌ترین مجالس دوران انقلاب هم هست. بحمدالله سرشار است از نیروهای پُرانگیزه و پُرایمان، نیروهای پُرتوان، نیروهای جوان. هم جوانان تحصیل کرده و انقلابی در بین شماها زیاد هستند - جوانان کاربلد، نه دور از مسائل اجرایی؛ در بین مجموعه‌ی شما جوانانی هستند که هم پُرانگیزه هستند، پُرتوانند، هم کاربلدند - هم مدیران انقلابی دوره‌های گذشته؛ تعدادی از مدیرانی که کار اجرایی کرده‌اند، اجرا را می‌شناسند، عرصه‌ی عمل را کاملاً می‌شناسند، در بین شماها جمعی از اینها هستند که وجودشان مغتنم است؛ و هم بالاخره سابقه‌داران در قوه‌ی مقننه؛ [یعنی] عده‌ای که قبلاً در مجلس بودند و شیوه‌های کار مجلس را



می‌شناسند. مجموعه‌ی این سه گروه -آن جوانان، و آن مدیران، و این پیشکسوتان و سابقه‌داران- مجموعه‌ی بسیار خوب و کارآمد و به‌دردبخوری را بحمدالله در این مجلس به وجود آورده. بنابراین، مجلس، مجلس بسیار خوبی است. خوشبختانه به مسائل انقلاب هم این مجلس حسّاس است. در همین یک ماه و اندی که گذشته، انسان احساس میکند به مسائل انقلاب حسّاسند. سرعت عمل هم به خرج دادید؛ هم در تشکیل هیئت‌رئیس، هم در تشکیل کمیسیون‌های تخصصی و تعیین رؤسای این کمیسیون‌ها، و بحمدالله کار را زود پیش بردید و اینها همه در خور تحسین است.

خب! چهار سال شما در پیش رو دارید؛ چهار سال زمان کمی نیست، زمان زیادی است. بله؛ شما مجری نیستید، اما ریل‌گذار اجرا هستید، میتوانید تأثیرات بسیار زیادی در مسائل کشور و پیشرفت کشور و آینده‌ی کشور بگذارید، آن هم در چهار سال؛ چهار سال زمان کمی نیست. وظایف سنگینی بر دوش شما عزیزانی است که امروز مخاطب این حقیر هستید که بعد در بخش بعدی، آن چیزهایی که به ذهنم میرسد به عنوان توصیه، عرض خواهم کرد. این، آن مطلبی که مربوط به این مجلس بود.

اما در مورد وضعیّت عمومی کشور، خب در کشور مشکلاتی هست که از دید شماها پنهان نیست؛ مشکلات اقتصادی. حالا بحث فرهنگ بحث جداگانه‌ای است که به یک باب واسع دیگری احتیاج دارد؛ من امروز بیشتر روی مسائل اقتصادی تکیه میکنم. مشکلات فراوانی در کشور از لحاظ اقتصادی هست، ولی بنیه‌ی کشور قوی است؛ این خیلی مهم است. بله؛ بیماری هست، اما بنیه‌ی بیمار قوی است و قدرت دفاعی او زیاد است و توان غلبه‌ی بر بیماری در او وجود دارد. اگر شما کشور را به جسم یک انسان تشبیه بکنید، این مشکلات، همان طور که عرض کردم، به منزله‌ی بیماری است، منتها خطر بیماری نسبت به همه یکسان نیست. خب حالا کرونا در کشور هست، اما خطر کرونا نسبت به همه یک جور نیست. کسی پیر باشد، ناتوان باشد، توانایی تقویت جسمانی نداشته باشد، دارای بیماری‌های زمینه‌ای باشد، بیماری برای او خطرناک است، خطرآفرین است، پزشک هم وقتی با یک چنین بیماری مواجه میشود خیلی امیدوار نیست؛ لکن اگر چنانچه این بیمار جوان باشد، توانایی جسمی داشته باشد و بیماری‌های زمینه‌ای نداشته باشد، فرضاً ورزشکار و از لحاظ جسمی قدرتمند باشد، این بیماری در او هست، لکن خطر در مورد او زیاد نیست و وقتی طبیب هم با یک چنین بیماری مواجه میشود، با امید بیشتری به سراغ این بیمار میرود. بله؛ کشور بیماری‌هایی دارد، لکن این بیماری‌ها مواجه است با یک توانایی‌هایی که حالا اشاره خواهم کرد.

مشکلات اقتصادی که از آن تعبیر کردیم به بیماری، خب عمده‌ترینش تورّم است، کاهش ارزش پول ملی است، گرانی‌های بی‌منطق است، مشکلات بنگاه‌های تولیدی است، وجود تحریم‌های خارجی است -که نقش این تحریم‌ها را نباید نادیده گرفت- و نتیجه‌ی اینها هم سختی معیشت طبقات پایین و متوسط است. این بیماری‌ها هست، لکن بنیه‌ی کشور قوی است. چرا میگوییم بنیه‌ی کشور قوی است؟ به خاطر ظرفیتهای گسترده‌ای که در کشور وجود دارد، که آقای قالیباف به بعضی از این ظرفیتهای اشاره کردند. بعضی از این ظرفیتهای طبیعی است، بعضی انسانی است. لذا می‌بینید به خاطر همین ظرفیتهای است که در دوران سخت‌ترین تحریم‌ها و فشارهای همه‌جانبه‌ای که علیه کشور در زمینه‌ی اقتصاد به وجود می‌آید، کشور توانسته چند هزار شرکت دانش‌بنیان به وجود بیاورد، صدها طرح زیربنایی ایجاد کند، در همین دوران تحریم و با وجود کاهش درآمد نفت، کار بزرگی مثل ایجاد پالایشگاه ستاره‌ی خلیج فارس را انجام بدهد؛ یک حرکت به این بزرگی، و کارهای فراوان که در زمینه‌ی مسائل نیرو، آب و برق انجام گرفته؛ افتتاح‌های فراوانی دارد انجام میگیرد که شما می‌بینید اینها را؛ اینها واقعی است، اینها وجود دارد، دارد کار



انجام میگیرد. در زمینه‌ی صنایع نظامی، کارهای حیرت‌انگیز انجام میگیرد، در زمینه‌ی مسائل فضائی [هم] همین جور. دشمنان ما، مخالفین ما، همان کسانی که این تحریمها را تحمیل کرده‌اند و امیدوار بودند که ایران را به خاطر این تحریمها به زانو دریاورند، همانها دارند اقرار میکنند، اعتراف میکنند که نتوانسته‌اند و کشور سر پای خودش ایستاده؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که بنیه‌ی کشور خیلی قوی است.

این چیزهایی که ما عرض کردیم، بخشی از ظرفیتهای کشور است. حالا فرض بفرمایید ظرفیتهای مادی مثل معادن، جنگلها، موقعیت جغرافیایی، تنوع اقلیمی، تا برسیم به مسئله‌ی تاریخ و هویت ملی و امثال اینها. اینها همه ظرفیتهای بسیار مهم و اساسی است که در کشور ما بعضی از این ظرفیتهای اختصاصی است؛ یعنی هیچ کشور دیگری از آنها برخوردار نیست، ما برخورداریم بحمدالله. اینها ظرفیتهای مادی است، لکن در کنار اینها ظرفیتهای معنوی [هم] هست. من اصرار دارم که به این ظرفیتهای معنوی توجه کنیم، از اینها استمداد کنیم، این ظرفیتهای را -انهایی که نیاز به فعلیت دارد- به فعلیت برسانیم. این ظرفیتهای معنوی کشور ما، غالباً یا تقریباً همه، ریشه در ایمان مذهبی و ایمان انقلابی دارد؛ یعنی ایمان مذهبی و انقلابی مردم زیاد است، ظرفیتی به وجود می‌آورد، توانایی‌هایی را در کشور به وجود می‌آورد که از این توانایی‌ها میشود استفاده کرد. در طول انقلاب -از اول انقلاب تا دوران جنگ تحمیلی تا امروز- نمونه‌هایش را دیده‌ایم. تازه‌ترین نمونه‌ی این ظرفیتهای مهم ملی و مبتنی بر ایمان انقلابی و مذهبی، همین حضور به‌هنگام و فداکارانه‌ی ملت در موج اول بیماری کرونا است. این شوخی بود؟ مجموعه‌های درمانی، مبارزان صف مقدم بودند؛ پشت سر اینها آحاد عظیمی از مردم، جوانها، در جاهای مختلف و به شکلهای گوناگون وارد میدان شدند و خدمت کردند و کار کردند و کار اینها آن روز مؤثر بود در کاهش آلام ملت ایران در مقابل این بیماری خطرناک. یا در نهضت کمک مؤمنانه؛ از مردم خواسته شد که وارد عرصه‌ی کمک به آحاد ضعیف جامعه بشوند. البته اگر ما هم نمیگفتیم، خود مردم وارد شده بودند؛ قبل از گفتن ما هم وارد شده بودند، بعد هم به شکل فراگیر در همه‌ی کشور، شما دیدید چه کارهای بزرگی انجام گرفت، چه خدمات باارزشی به خانواده‌های ضعیف شد که در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، این حرکت عمومی مردم انجام گرفت. اینها ظرفیتهای معنوی کشور است، اینها چیزهای مهمی است. نمونه‌ی دیگر این ظرفیت معنوی، اندکی قبل از همین حوادث، مربوط به حرکت خیره‌کننده‌ی مردم در بدرقه‌ی شهید سلیمانی است. شما دیدید ملت ایران چه کردند؛ چه کردند در تهران، چه کردند در شهرستان‌های مختلف، مردم چگونه با این قضیه‌ی مهم -شهادت یک سردار برجسته- مواجه شدند. خطا است اگر ما خیال کنیم این فقط یک حرکت عاطفی محض بود؛ بله؛ عواطف هم تأثیر داشت، لکن این حرکت خیلی فراتر از یک حرکت عاطفی محض بود؛ این، ایمان به جهاد مردم را نشان میداد. مردم نشان دادند که به جهاد در میدان مقاومت معتقدند، به مبارزه معتقدند، به مقاومت در مقابل استکبار معتقدند. مردم نشان دادند که به کسی که مظهر اقتدار ملی و اقتدار جهادی ایران است احترام میگذارند. شهید سلیمانی مظهر این اقتدار بود، در کل منطقه اقتدار ملی ایران را به رخ دشمنان کشور و دشمنان انقلاب میکشید، مظهر این روحیه‌ی اقتدار ملی بود، مردم به این احترام گذاشتند. این مسئله، مسئله‌ی خیلی مهمی است؛ یک چنین ظرفیتی خیلی باارزش است؛ نشان داد که مردم برای قهرمان ملی خودشان چه اهمیتی قائلند؛ مثنی بود به دهان آن کسانی که درباره‌ی این چهره‌ی درخشان یاوه‌گویی میکنند، حرفهای متناسب خودشان را میزنند، مثل مسئولین آمریکا و امثال اینها در سطح دنیا. نمونه‌های فراوان دیگری هم از این ظرفیت معنوی و حضور معنوی و آمادگی ملت ایران وجود دارد که همه‌ی اینها ریشه در ایمان اسلامی و ایمان انقلابی دارد؛ اینها را نمیشود منکر شد؛ اگر کسی منکر بشود، مثل این است که منکر آفتاب در وسط روز شده باشد. شما ببینید در طول این سالها هر جایی که نظام مشکل پیدا کرد، مردم وارد میدان شدند؛ آنجایی که کسانی با تحریک دشمنان -چه در سال ۷۸، چه در سال ۸۸ چه در سالهای بعد- یک حرکتی انجام دادند



که برای نظام مضر بود، آن که توانست بیاید وسط میدان و دشمن را مأیوس کند مردم بودند. ظرفیت از این بالاتر؟ بنیه‌ی قوی از این بهتر؟ این بنیه‌ی قوی ملت ایران است. پس بنابراین، این واقعیتها را که انسان میبیند، میفهمد که بنیه‌ی کشور در مقابل این حوادث گوناگون قوی است.

مشکلات ما هم حقیقتاً ناشی از این است که خودمان کم‌توجهی کردیم: *ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ* بما کسبت ایدی الناس؛ (۲) خود ما یک جاهایی بی‌توجهی کردیم، کم‌توجهی کردیم. مثلاً فرض کنید به تولید اهمیت ندادیم، به سرمایه‌گذاری اهمیت ندادیم، ناگهان مواجه شدیم با شکست کارخانه‌جات من باب مثال، یا فرض کنید که مشکلات تولید در کشور. خب وقتی انسان کار نکند، نتیجه‌ی کار نکردن مشهود است. آنجاهایی که خود ما مسئولین بی‌توجهی کردیم، کم‌توجهی کردیم - در طول سالهای مختلف البته - نتایجش این خواهد بود. اگر چنانچه این تفکر و روحیه‌ی خوداتکائی و اعتماد به نفس ملی - که امروز خوشبختانه عمومیت پیدا کرده و بخصوص در بین قشر جوان تحصیل‌کرده‌ی با عزم و اراده رشد پیدا کرده - و این اعتماد به نیروی داخلی در اقتصاد به همین شکل پیش برود و امیدهای واهی‌ای که گاهی انسان مشاهده میکند به بیرون از مرزها وجود دارد و اقتصاد کشور را شرطی میکند نسبت به تصمیم‌گیری بیگانگان، اگر چنانچه وجود نداشته باشد یا ضعیف بشود و اعتماد ملی افزایش پیدا کند، به نظر بنده همه‌ی این مشکلاتی که امروز در اقتصاد وجود دارد قابل رفع و برطرف کردن است. بایستی از این بنیه‌ی قوی کشور استفاده کرد. و حالا [اگر] همین مطالبی را که در بیانات آقای دکتر قالیباف بود و امثال اینها را ان شاء الله با شدت و جدیت و در حد امکانات و مسئولیتهای مجلس و مجاری قانونی مجلس دنبال کنید، ان شاء الله مشکلات برطرف خواهد شد؛ خاطر بنده جمع است که همه‌ی این مشکلات قابل برطرف شدن است.

و اما مسئله‌ی مسئولیتهای شما نمایندگان عزیز، که بحث اصلی در واقع این است و من اینجا هم البته نمیخواهم زیاد صحبت کنم، چند مطلب را به عنوان توصیه عرض میکنم. اولین مطلب این است که برادران عزیز، خواهران عزیز! نیتتان را خالص کنید و برای مردم کار کنید. در پارلمان‌های دنیا به نام مردم خیلی حرف زده میشود، اما برای مردم کار نمیشود. یک پارلمان منحنی آن پارلمانی است که در آن، مسائل شخصی و مسائل جناحی بیشتر از مسائل ملی و مسائل مردمی تأثیرگذار باشد. اولین مسئله این است، اولین توصیه این است. برای خدا، یعنی حقیقتاً با نیت خالص، تصمیم بگیرید برای مردم کار کنید. اسیر جو و مانند این چیزها هم نشوید. گاهی اوقات میشود جوی به وجود می‌آید که انسان را میکشاند به یک طرفی؛ نه، نگاه کنید ببینید تکلیف چیست، چه چیزی برای مردم مفید است؛ ولو بر خلاف جو حاکم هم باشد، اشکالی ندارد، آن را دنبال نکنید. اسیر جو نشوید و به تعبیر معروف، جوزه نشوید.

یک مطلب، مسئله‌ی سوگند شما است. این سوگندی که در آغاز مجلس دسته‌جمعی اداء میشود، یک سوگند شرعی است و به هیچ وجه تشریفات ظاهری نیست؛ این قسم خوردن است، یعنی تعهد ایجاد میکند. شما در این سوگند تعهد کردید که پاسدار حریم اسلام باشید، نگاهبان دستاوردهای انقلاب باشید؛ اینها در متن سوگند شما آمده. بایستی بجد پایبند این معنا باشید؛ یعنی نگاهبان دستاوردهای انقلاب و پایبند جدی به این تعهد و پاسدار حریم اسلام. تخلف از این سوگند، بازخواست شرعی دارد، بازخواست الهی دارد؛ یعنی روز قیامت خدای متعال از انسان سؤال میکند. این مثل یک قسم معمولی عادی هم نیست؛ آن هم البته تخلف کردنش کفاره دارد، آن هم سؤال دارد از طرف خدای متعال، اما این خیلی فرق میکند با اینکه مثلاً ما یک قسمی بخوریم برای یک کار شخصی؛ این یک مسئله‌ی عمومی است، مسئله‌ی مردمی است، باید جواب داد و این سوگند، سوگند مهمی است.



توصیه‌ی بعدی ما این است که به مسائل کلیدی توجه کنید، اولویت را به مسائل کلیدی بدهید. به مسائل فرعی و درجه‌ی دو گاهی انسان لازم است برسد، لکن جوری برخورد نشود با مسائل درجه‌ی دو که مانع از حرکت جدی و متمرکز به سمت مسائل کلیدی بشود. مثلاً حالا در مقوله‌ی اقتصاد اگر بخواهیم مسائل کلیدی را مطرح کنیم، مسئله‌ی تولید یک مسئله‌ی جدی کلیدی است که ما امسال را گفتیم [سال] «جهش تولید»؛ الان ماه چهارم سال هستیم، بایستی نشان داده بشود در سال که این جهش انجام گرفته. مسئله‌ی اشتغال جزو مسائل کلیدی است که البته با تولید ارتباط پیدا میکند. مسئله‌ی مهار تورم مسئله‌ی جدی کلیدی است که علل زنجیره‌ی تورم و گرانی را شناسایی کنید و بروید سراغ این علل. مدیریت نظام پولی و مالی جزو مسائل کلیدی است؛ عدم وابستگی اقتصاد کشور به نفت جزو مسائل کلیدی است؛ اینها مسائل مهم است. اینها در زمینه‌های اقتصادی.

در مقوله‌ی مسائل اجتماعی و غیره هم مسئله‌ی مسکن یک مسئله‌ی جدی مهم و کلیدی است؛ در سبد هزینه‌های خانوار، مسکن سهم بسیار عمده‌ای دارد و مسئله‌ی مسکن خیلی مهم است. مسئله‌ی ازدواج جوانان خیلی مهم است؛ جزو مسائلی است که اصلاً نباید از آن غفلت کرد و راه‌هایی برای تسهیل ازدواج، و امکان ازدواج برای جوانها، باید پیش‌بینی بشود. بعضی از این راه‌ها هزینه‌ی مادی هم ندارد؛ فقط تصمیم‌گیری لازم دارد، توجه لازم دارد. مسئله‌ی فرزندآوری و مسئله‌ی نسل بسیار مهم است؛ این موضوعی است که بنده بارها (۳) در این چند سال اخیر تکیه کرده‌ام و تأکید کرده‌ام، [ولی] متأسفانه حالا که انسان نتایج را نگاه میکند، معلوم میشود که خیلی این تأکیدها تأثیر زیادی نداشته. اینها احتیاج دارد به قانون، احتیاج دارد به دنبال‌گیری جدی دستگاه‌های اجرایی و بایستی یجذب مسئله‌ی فرزندآوری را مهم دانست و از پیری جمعیت ترسید. حالا خارجی‌ها را کار نداریم؛ دشمن، دشمن است؛ اما بعضی کج‌سلیقگی‌ها را متأسفانه آدم در داخل مشاهده میکند - یک جایی خواندم - که میگویند «آقا! پیری جمعیت اشکالی ندارد!» چطور اشکالی ندارد؟ یکی از پرفایده‌ترین ثروتهای یک کشور، جمعیت جوان در یک کشور است که ما بحمدالله از اوایل انقلاب تا امروز برخوردار بوده‌ایم و اگر بنا باشد بعداً برخوردار نباشیم، یقیناً عقب خواهیم ماند. مسئله‌ی مدیریت فضای مجازی جزو مسائل مهم ما است که این مسئله، مسئله‌ی بلندمدت هم نیست؛ مسئله‌ی کوتاه‌مدت و میان‌مدت و جزو مسائل نزدیک ما است که باید [به آن توجه بشود] و امثال اینها مسائل کلیدی‌ای وجود دارد. توجه کنید دچار حاشیه‌ها نشوید، دچار مسائل فرعی و بی‌اولویت نشوید.

یک توصیه‌ی دیگر مسئله‌ی تعامل و هم‌افزایی با بقیه‌ی قوا است. نقشه‌ی کلی تعامل به نظر حقیر این است: از طرف دو قوه‌ی مجریه و قضائیه تعاملشان به این است که بایستی موبه‌مو مصوبات شما را عمل کنند؛ یعنی تعلل در اجرای مصوبات مجلس جایز نیست و تعطیل مصوبات مجلس، و بی‌اعتنائی به آنها، جایز نیست؛ آن دو قوه موظفند که مصوبات شما را عمل کنند. از طرف شما هم تعامل به این است که مصوبه را با توجه به ظرفیتهای کشور تصویب کنید، ایجاد کنید. خیلی چیزها هست که انسان دلش میخواهد تصویب کند، این چیز خیلی خوبی است، اما ظرفیت کشور، توانایی کشور، واقعیتهای کشور پاسخگو نیست. توجه بشود به ظرفیتهای قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه و ظرفیتهای کشور و واقعیتهای موجود، با توجه به اینها مصوبه تولید کنید و این به نظر من میتواند یک تعامل خوبی از دو طرف به وجود بیاورد.

روابط خودتان با دولتمردان را هم [مواظبت کنید]؛ چون شما سر و کار دارید با دولتمردان. یکی از کارهای خوب همین بوده که وزرای محترم آمده‌اند در مجلس و اوضاع بخش مربوط به خودشان را برای شما توضیح داده‌اند؛ یکی از کارهای خوبی که در این یک ماه و اندی انجام گرفته این است. لکن این روابط با دولتمردان بایستی هم با



قانون منطبق باشد، هم با شرع؛ هم قانونی باید باشد، هم شرعی. یعنی سؤال، تفحص و امثال اینها که در قانون آمده، اینها حقّ شما است، بایستی انجام بدهید، امّا توهین نه، دشنام نه، نسبت بدون علم نه؛ اینها حقّ شما نیست و بعضی اش حرام شرعی هم هست و جایز نیست؛ انسان به وزیر مثلاً توهین کند یا دشنام بدهد یا تهمت بزند، این مطلقاً جایز نیست. بنابراین، تفکیک کنید بین آنچه وظیفه‌ی شما است و آنچه ممنوع است برای شما. شرع و قانون یک چیزهایی را به عنوان کارهای باید شما معین کرده، یک چیزهایی را به عنوان نباید شما معین کرده؛ هم به بایدها، هم به نبایدها، بایست توجه بکنید. برخورد احساسی نباید کرد، برخورد غیر منطقی نباید کرد؛ برخورد متین، خردمندانه، قابل توجه، ولو قوی. گاهی هست که شما حرف طرف مقابل را صددرصد قبول ندارید؛ یعنی صددرصد رد میکنید؛ هیچ اشکالی ندارد، لکن باید جوری نظر و همین رأی مخالف ادا بشود که کسی که از بیرون مجلس دارد نگاه میکند، ببیند حق با شما است؛ یعنی با متانت و با خردمندی.

در زمینه‌ی همکاری‌های با قوا و با دولتمردان، دو نکته‌ی دیگر هم هست که آن را هم عرض میکنم. یک نکته اینکه به تجربه در طول این سالهای متمادی ثابت شده که درگیری‌ها و منازعات و مجادلات در صدر، برای افکار عمومی مردم زیان‌بخش است، مردم را ناراحت میکند. بله؛ مردم از شما و از دولت یا قوه‌ی قضائیه توقع دارند که حق را بیان کنید و حق را دنبال بکنید، امّا توقع ندارند که با هم مجادله کنید و گریبان یکدیگر را بگیرید؛ این را مردم هیچ دوست نمیدارند و تشنج در رؤس دستگاه‌ها بخصوص، مردم را اذیت میکند، ناراحت میکند، روی افکار عمومی تأثیر منفی میگذارد.

دوّم اینکه امروز شما ملاحظه میکنید می‌بینید دشمن غدار، (۴) این جبهه‌ی دشمن - فقط آمریکا نیست؛ آمریکا خبیث‌ترین و قبیح‌ترین شان است، والا فقط آمریکا نیست؛ دشمن یک جبهه است - همه‌ی نیرویش را متمرکز کرده برای اینکه جمهوری اسلامی را بلکه به عقب‌نشینی وادار کند. البته این هم جزو افتخارات ما است؛ اینکه جبهه‌های قدرتمند سیاسی و اقتصادی در دنیا همه‌ی توانشان را روی هم بگذارند بیایند مقابل انسان، نشان‌دهنده‌ی اقتداری است که در شما وجود دارد. اگر شما قوی نبودید، اگر شما مقتدر نبودید، آنها لازم نبود این قدر خیل و رَجِل (۵) جمع کنند، این همه نیرو و سیاهی لشکر دنبال خودشان راه بیندازند بیایند مقابل شما؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که شما قوی هستید. امّا بالاخره واقعیت این است که دشمن همه‌ی نیرویش را به میدان آورده؛ نیروی اقتصادی را، نیروی سیاسی را، نیروی تبلیغاتی را. می‌بینید؛ شاید بشود گفت هر روز یا لااقل هر دو سه روز یک بار این یاهوگوهای آمریکایی، آن وزیر خارجه و آن یکی دیگر و آن رئیسشان، حتماً یک چیزی راجع به ایران میگویند؛ یا در یک مصاحبه یا در یک مجمع مثلاً بین‌المللی یا [اگر] هیچ جا نباشد، لااقل در لابی صهیونیستی، یک چیزی، یک غری، یک نقی، یک حرف چرندی علیه جمهوری اسلامی ایران میزنند. خب این نشان‌دهنده‌ی این است که اینها یجده تصمیم گرفته‌اند که همه‌ی امکان تبلیغاتی خودشان را هم وارد میدان کنند؛ علاوه بر امکانات اقتصادی، امکانات این جوری را هم وارد میدان کنند. خب در این شرایط، تکلیف ما چیست؟ تکلیف ما اتحاد داخلی و انسجام داخلی است که نشان‌دهنده‌ی وحدت در مقابل دشمن است. بله؛ اختلاف سلیقه داریم، اختلاف نظر داریم، بعضی افرادمان ممکن است همدیگر را قبول هم نداشته باشیم، امّا در مقابل دشمن، همه با هم دست به دست هم میدهیم، یک حرف میزنیم، یک فریاد میکشیم، یک اقدام میکنیم، یک حرکت انجام میدهیم.

من البته نقش نظارتی مجلس را خیلی مهم میدانم؛ یعنی واقعاً نقش نظارتی مجلس یک نقش اساسی و حیاتی است و هیچ نبایستی به این نقش نظارتی بی‌توجهی بشود، لکن معتقدم که این نقش را با متانت ایفا بکنید؛



خردمندانه و با متانت و بدون حاشیه ایفا بشود.

و یک نکته‌ای هم، هم خطاب به شما عرض میکنم، هم به دولتی‌ها؛ مجموعاً توجه کنید. سال آخر دولتها معمولاً سال حساسی است. خب تجربه‌ی بنده دیگر زیاد است در این زمینه. سال چهارم دولتها، بخصوص اگر [سال] چهارم دوم باشد، سال بسیار حساسی است و معمولاً در این سال اگر چنانچه مراقبت نشود، کارها سست خواهد شد. اولاً همه‌ی دولتها موظفند تا روز آخر تلاش کنند و کار کنند؛ تا لحظه‌ی آخر. بنده اعتقاد راسخ دارم که دولتها بایستی تا آخرین روز مسئولیتشان تلاش کنند و کار کنند و وظایف خودشان را انجام بدهند، بعد امانت را به دولت بعدی تسلیم کنند، البته عقیده‌ام این است که با صورت وضعیت؛ مثل مهندسی که وسط کار، بنا را به یک مهندس دیگری تحویل میدهد و صورت وضعیت میدهد؛ این کاری است که انجام گرفته، این وضعی است که الان موجود است. بایست تا روز آخر مشغول کار باشند. در این شرایط حساس سال آخری دولت که سال اول شروع کار شما و فعالیت شما است، بایستی هر دو -هم دولت، هم مجلس- سعی کنند فضا را به نحوی مدیریت کنند که به کار لطمه نخورد. مراقبت بشود؛ جوری مدیریت کنید فضا را که به کار مهم کشور هیچ گونه لطمه‌ای وارد نشود.

آخرین بحث من در مورد مجلس این است که شما دو مرکز بسیار مهم دارید که هر کدام به نوبه‌ی خود اهمیت ویژه‌ی خودش را دارد. یکی مرکز پژوهشها است که مرکز کارشناسی است و بسیار مرکز مهمی است؛ از این مرکز به بهترین وجه استفاده کنید. در گذشته هم خوشبختانه در موارد زیادی از مرکز پژوهشها خیلی خوب استفاده شده؛ این مرکز گاهی کمک کارشناسی حیاتی به نمایندگان کرده. این مرکز، مرکز بسیار مهمی است.

مرکز دوم مرکز نظارت بر رفتار نمایندگان است که چند سالی است راه افتاده؛ این هم خیلی مهم است. شماها البته همه خیلی خوبید، خدا ان شاء الله که همه‌ی شما را اجر بدهد؛ اما خوب بودن یک مسئله است، خوب ماندن یک مسئله‌ی دیگر است؛ باید سعی کنیم خوب بمانیم. همه‌ی ما در معرض اشکال هستیم، ممکن است خدای نکرده لغزشی برایمان پیش بیاید. همه‌ی ما -بنده هم همین جور هستم، شما هم همین جور هستید- در معرضیم، بایستی مراقبت کنیم؛ هم خودمان از خودمان مراقبت کنیم، هم «و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر». (۶) این مرکز نظارت بر رفتار نمایندگان همان «تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر» است، همان امر به معروف و نهی از منکر است، همان مراقبت و تکافل (۷) اجتماعی است که در اسلام وجود دارد.

خب؛ صحبت آخر هم مربوط به کرونا است. اولاً این گسترش مجدد کرونا یک غم عمیقی را در انسان به وجود می‌آورد. اینکه انسان تلویزیون را باز کند ببیند میگوید امروز ۱۸۰ نفر، چند روز پیش ۲۲۰ نفر [جان باختند]، انسان خیلی دل شکسته میشود، خیلی غصه‌دار میشود؛ در یک شبانه‌روز این تعداد! ۳۰ نفر هم زیاد بود. آن وقتی که کم شده بود حدود ۳۰ نفر [بود، که] آن هم زیاد بود. این ۳۰ نفر هر کدامشان به تنهایی عزیزانی دارند، عزیز کسانی هستند؛ پدر دارند، مادر دارند، همسر دارند، فرزند دارند، برادر دارند، دوستانی دارند، اینها عزادار میشوند. حالا اگر این رقم مثلاً برسد به ۲۰۰ و ۱۸۰ و ۱۵۰ و مانند اینها، خب واقعاً خیلی غم‌انگیز است، حقیقتاً غم‌انگیز است. من خواهش میکنم همه‌ی کسانی که میتوانند نقشی در این زمینه ایفا کنند، به بهترین وجهی نقش خودشان را ایفا کنند.

خب خوشبختانه مجموعه‌های درمانی فداکاری کرده‌اند. دیگر زبان انسان قاصر است از اینکه بخواهد مبلغ فداکاری اینها را بیان کند؛ چه تعدادی از اینها که خودشان مبتلا شدند و تعدادی جان باختند در راه خدمت به مردم! اینها



خیلی باارزش است، خیلی مهم است. لکن فقط مجموعه‌ی درمانی نیستند؛ مجموعه‌های گوناگونی که در این زمینه تصمیم‌گیری میکنند و آنهایی که اجرا میکنند، آنهایی که از اینها پشتیبانی میکنند [هم هستند]. عده‌ی زیادی از جوانهای ما در آن ماه‌های اول وارد میدان شدند، خدمت کردند، پشتیبانی کردند، به اینها کمک کردند، بعد هم آحاد مردم. من وقتی میبینم در تلویزیون نشان میدهد که بعضی‌ها عبور میکنند و همین چیز ساده، همین ماسک را نمیزنند، من از آن پرستار واقعاً خجالت میکشم که آنها آن جور دارند فداکاری میکنند - آن پزشک، آن پرستار - آن وقت این آدم، جوان یا غیر جوان، حاضر نیست یک ماسک بزند اینها باید انجام بگیرد. این عرض اول ما است. من خواهش میکنم همه‌ی کسانی که در این زمینه مؤثرند، چه مسئولین اجرائی کشور، چه آحادی که میتوانند خدمتگزاری کنند، چه آحاد مردم، همه در این زمینه فعالیت کنند تا بتوانیم در ظرف مدت کوتاهی این زنجیره‌ی سرایت را قطع کنیم و کشور را به ساحل نجات برسانیم. ما اول کار جزو بهترین کشورها و موفق‌ترین کشورها بودیم؛ امروز آن جور نیست. حالا امروز هم باز از خیلی از کشورها جلوتریم، بهتریم، لکن آن مقداری که اول بود امروز نیست و انسان غصه‌دار میشود. این یک نکته.

نکته‌ی دوم این است که در این قضایای کرونا خب به طبقات ضعیف، بلکه طبقات متوسط واقعاً ضربه خورد از لحاظ زندگی و معیشت و مانند اینها. آن کاری که در آستانه‌ی ماه رمضان شروع شد، آن خدمت مؤمنانه‌ای که همه در آن شرکت کردند، خیلی کار باارزشی بود، توانست غمهای خانواده‌هایی را کم کند. من امروز هم معتقدم که این نهضت تعاون و احسان را مجدداً مردم عزیز ما شروع کنند. البته قطع نشده، لکن لازم است یک مقداری رشد پیدا کند، یک مقداری توسعه پیدا کند و بار دیگر فضای کشور را طراوت بدهید، کودکانی را شاد کنید، خانواده‌هایی را برخوردار کنید، پدرمادرهایی را از دغدغه‌ی معاش فرزندانشان نجات بدهید؛ این کاری است که مردم میتوانند بکنند. حالا کیفیتش چگونه باشد، چه جوری مدیریت بشود، اینها قابل مدیریت متمرکز نیست؛ اینها کارهایی است که در سطح عامه‌ی مردم، در سطح کشور [انجام میگردد]؛ خب بحمدالله کشور بزرگ است، مردم هم زیادند، در این سطح گسترده است؛ هر کسی هر مقداری که میتواند، هر جوری که میتواند، به این کار کمک کند. این را هم نگویند که حالا مثلاً به فلان خانواده از دو طریق یا سه طریق فرض کنید که یک چیزی رسید؛ خب برسد؛ بهتر. اگر چنانچه بتوانند با نظم و ترتیبی انجام بدهند که منظم و مرتب باشد، البته بهتر است، اگر هم نشد، اشکالی ندارد؛ بفرض حالا به یک خانواده از دو جا یا از سه جا [کمک بشود]. ایراد نگیرند که با این وضعی که هست، ممکن است به بعضی‌ها مثلاً دو برابر برسد؛ خب برسد. فقط سعی بشود کسی از قلم نیفتد؛ فقط همین. مراقبت بشود که کسی از قلم نیفتد و مردم بتوانند ان شاءالله برخوردار بشوند. این، کشور را طراوت میدهد، به کارها برکت میدهد، لطف و فضل الهی را متوجه شما میکند.

یکی از چیزهایی هم که من مایلم تأکید کنم - این آخرین عرض بنده است - مسئله‌ی توسل و دعا است. ما از اول هم عرض کردیم که در این قضیه، توسل عمومی خیلی چیز مهمی است. و مخصوص این دعای هفتم صحیفه‌ی سجادیه که خب عده‌ی زیادی خواندند و عمل کردند نیست؛ دعاهاى مختلف. دعا کنید، از خدا بخواهید، تضرع کنید و طلب کنید از خدای متعال. بخصوص جوانها، بخصوص دل‌های پاک و صاف که مثل آب زلال، بعضی از دل‌ها روشنند؛ دعای اینها میتواند کاملاً مستجاب بکند؛ «دعای نیم‌شبی رفع صد بلا بکند» ان شاءالله. امیدواریم خداوند همه‌ی شما را موفق بدارد و خداوند روح مطهر امام و ارواح طیبه‌ی شهدا را از ما راضی کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته



- (۱) در ابتدای این دیدار، آقای دکتر محمدباقر قالیباف (رئیس مجلس شورای اسلامی) گزارشی ارائه کرد.
- (۲) سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۴۱ ؛ «به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است. ...»
- (۳) از جمله بیانات در دیدار جمعی از زوجهای جوان (۱۳۹۸/۵/۱۳)
- (۴) حيله گر
- (۵) لشکر
- (۶) سوره‌ی عصر، بخشی از آیه‌ی ۳ ؛ «... و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»
- (۷) ضمانت و تعهد نسبت به یکدیگر